توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۲۷/ دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۷ /۱۶ ذی‌القعده ۱۴۳۹ /۳۰ جولای ۲۰۱۸

PDF Compressor Free Version

ناکارآمدی آموزشگاه‌های عالی کشور در تولید انسان دانشگاهی

تجارت آموزش و انسان دانشگاهی

بزرگ‌ترین هدف دانشگاه آزاد در ابتدای کار، دانش‌اندوزی و آموختن بود. آموختن برای آنانی که به هر دلیل فرصت حضور در دانشگاه‌های دولتی را نیافته بودند اما تشنه علم و دانش بودند و مدرکش هم برای‌شان مهم نبود.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

روزی روزگاری، دانشگاه، برای خودش ابهت و کرامت خاصی داشت. تا همین دو سه دهه پیش، همین که کسی می‌توانست وارد دانشگاه شود، از همان ابتدای ورود، حرفش حجت و نوع و فرم اندیشیدنش، ملاک و معیار جامعه‌اش می‌شد.

دوره‌ای بود که به دانشجوی ترم اول و دوم، به همان چشمی نگاه می‌شد که به دانشجویان ترم‌های بالاتر؛ در واقع، دیگر به او به چشم دانش‌آموزی که تازه از دبیرستان آمده، نگاه نمی‌شد. او دانشجویی بود که در راهی سخت‌تر قدم گذاشته بود و باید تمام تلاش و انرژی خود را برای پیمودن این راه پر فراز و نشیب، صرف می‌کرد و از خیلی از لذت‌ها و خوشی‌ها و تفریحات و حتی شکل و شیوه زندگی عادی‌اش مایه می‌گذاشت.

در همان دوران، البته، آن چه دانشجو را به چنین فردی بدل می‌کرد، استادی بود که با او همگام و همراه می‌شد و به او در طی کردن این راه، کمک می‌کرد. می‌گوییم کمک می‌کرد؛ یعنی بی‌هیچ شائبه‌ای منابع مختلف برای مطالعه و تحقیق در اختیارش می‌گذاشت و از او انتظار تحقیق و پژوهش داشت و نه حفظ کردن. در نتیجه، «انسان دانشگاهی» (آن‌چنان که پی‌یر بوردیو نیز از آن سخن گفته است) که محصول چنان سیستم و چنان اساتیدی بود، برای جامعه‌اش منبع تولید فکر بود. جامعه، تقریبا در هر زمینه‌ای چشم به دهان این موجود داشت که توانسته بود در سال‌های حضورش در دانشگاه، اندیشیدن و تولید اندیشه را بیاموزد.

دانشجوی دیروز، هدف بزرگی به نام «آموختن» داشت. و همین باعث می‌شد که بیاموزد، باعث می‌شد که فکر کند و انگیزه‌های والایی برای آموختن داشت. انگیزه‌هایی که عمیقا از درون خودش برمی‌خواست و فضای دانشگاه، به این خواست و انگیزه، میدان و مجال می‌داد.

اتفاقی که قرار بود خوب باشد!

خیلی‌ها، سال‌های آغازین تاسیس دانشگاه آزاد را به‌خاطر دارند. دانشگاهی که برای ورود به آن، قرار نبود کسی دیپلم داشته باشد (باور کنید!) و قرار هم نبود به کسی، مدرک معتبری بدهد. فقط کاغذی دست دانشجو می‌دادند که نشان می‌داد او دوره‌هایی را در این دانشگاه گذرانده است.

بسیاری از ادارات و شرکت‌ها، حتی مدارک دانشگاه آزاد را برای استخدام نمی‌پذیرفتند. به‌نظر می‌رسد بزرگ‌ترین هدف دانشگاه آزاد در ابتدای کار، دانش‌اندوزی و آموختن بود. آموختن برای آنانی که به هر دلیل فرصت حضور در دانشگاه‌های دولتی را نیافته بودند اما تشنه علم و دانش بودند و مدرکش هم برای‌شان مهم نبود. فرض کنید، ابن‌سینا را که پیش استادی می‌رفت تا چیزی بر دانسته‌هایش اضافه کند؛ مگر ابن‌سینا یا زکریای رازی از کجا مدرک گرفته بودند و مگر اصلا این آدم‌ها مدرک لازم داشتند؟!

به نظرتان چنین دانش‌اندوزی به قول چامسکی «ابلهانه» بود؟ این که بیاموزید، صرفا برای این که آموخته باشید و بدانید تا دانش داشته باشید؟! احتمالا همین‌طور فکر می‌کنید. شاید هم براساس چنین اندیشه و در نهایت نتیجه‌گیری بود که دانشگاه آزاد، به جایی رسید که برای ورود به آن باید دیپلم می‌داشتید و بعد هم به شما مدرکی می‌داد که با آن می‌توانستید استخدام شوید.

در جاهایی حتی اعتبار و رشد علمی این دانشگاه، تنه به تنه دانشگاه‌های دولتی می‌زد که تا مدت‌ها، توانسته بودند اعتبار و شان علمی خود را حفظ کنند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دانشگاه آزاد، عدم وابستگی مالی آن به دولت بود. این استقلال مالی، می‌توانست و باید، دریچه‌های امید بسیاری را می‌گشود، برای تولید اندیشه‌ها و اندیشه‌ورزی‌های آزاد و مستقل (بدون اعمال نظر

دانشجو موجودی است که پس از گرفتن مدرکش، شغل وعده‌شده را هم به‌دست نمی‌آورد؛ یک سرخورده اجتماعی که ترجیح می‌دهد برای بقای خود، دنبال هر کسب و کار درست و نادرستی برود و در این روند، فساد باز تولید و تکثیر می‌شود

و هدایت‌های هدف و جهت‌دار دولتی). اما تنها اتفاقی که در دانشگاه آزاد و به دنبال آن، دانشگاه پیام نور و غیر انتفاعی و ... افتاد، این بود که اگر پول داشتی می‌توانستی وارد دانشگاه شوی و اگر باز پول داشتی می‌توانستی به تحصیل در این دانشگاه‌ها ادامه بدهی. اما کسی از دانشجویی که هزینه تحصیلش را خودش می‌پرداخت، انتظار اندیشه‌ورزی نداشت. به او جزوه و کتابی برای مطالعه پیشنهاد می‌شد و در نهایت از او در حد همان منبعی که در اختیارش گذاشته بودند، امتحان می گرفتند و در نهایت مدرک می‌دادند. این آغاز «بی‌انگیزیگی» در آموختن و بیشتر آموختن بود. دانشگاه و استاد، از دانشجو، کار زیادی طلب نمی‌کرد. حتی حضور او هم لازم نبود (دانشگاه پیام نور). رابطه استادی و دانشجویی، از رابطه پرسشگری و پاسخگویی و چالش‌های دوسویه، صرفا بدل شد به حفظ کردن چند صفحه و بازنویسی آن بر روی برگه امتحان. اکنون، دانشجو، در این شکل و شمایلش، دیگر تفاوتی با مردم کوچه و بازار ندارد. حتی می‌توان ادعا کرد که فاصله سواد و دانشش با آنان که دانشگاه ندیده‌اند، آن‌قدرها زیاد نیست که به چشم بیاید. او صرفا آدمی است که پول و گاهی زمان می‌گذارد تا مدرکی بخرد.

دانشگاه؛ یک بنگاه تجاری

این تعبیر اصلا خوب نیست؛ قبول! دانشگاه کجا، بنگاه تجاری چرا؟! اصلا چرا باید وقتی حرف از دانشگاه به میان می‌آید جرات کنیم از بنگاه تجاری هم حرف بزنیم. اما چاره‌ای جز این نداریم که بپذیریم، امروز دانشگاه، به یک بنگاه تجاری تبدیل شده است و به انواع روش‌های مختلف، محصولش (مدرکش) را می‌فروشد.

در این مورد، بین دانشگاه دولتی و غیردولتی تفاوت چندانی وجود ندارد. (پردیس‌ها و شبانه‌ها را به‌خاطر بیاورید) هر کدام به شیوه‌ای، در این زمینه مشغول تجارت‌اند؛ ممکن است دانشگاه دولتی از دانشجو، شهریه نگیرد، اما استاد (بله برخی از اساتید!) نمره به شرط می‌دهند؛ به شرط ترجمه، به شرط نوشتن یا تایپ کردن مقاله، به شرط بده و بستان‌هایی (با احترام تمام به اساتید و دانشجویان!) از نوع دیگر. در واقع دانشجو اگر هزینه هم نپردازد، رفته‌رفته تبدیل می‌شود به کسی که به‌راحتی می‌توان از او بیگاری کشید. در جامعه‌ای که فقط مدرک و نه سواد و نه سطح دانش و علم، مهم و ارزشمند و ملاک و معیار بالارفتن از پله‌های مختلف است؛ طبیعی است که چنین روابط ناسالمی هم بین افراد، نهادها، سازمان‌ها و به‌خصوص دانشگاه‌ها، به وجود بیاید. در جایی که قرار بود و هست، آموزش‌وپرورش تا پایان دوره متوسطه و نیز تحصیلات عالی، رایگان باشد، به سیستم آموزش‌وپرورش در هر سطحی، جواز تجارت داده شد. و این تجارت، دقیقا مانند یک بنگاه، کاملا مستقیم است؛ یعنی اگر فرد، پولی نپردازد، بسته آموزشی و مدرکش را دریافت نمی‌کند. اگر نمی‌تواند به هر نحوی هزینه‌اش را بپردازد، دانشگاه، به او وام می‌دهد و می‌دانیم که این وام‌ها، با شیوه‌های امروز بانکداری، دقیقا به نفع دانشگاه است؛ دانشگاه هم هزینه‌اش را به همراه یک سود اضافه، می‌گیرد و هم مشتری‌اش را نگه می‌دارد.

از آن‌جا که برای هر بنگاهی درآمد بیشتر، مهم است، دانشگاه، در تلاش است مشتری بیشتری جذب کند؛ شما برای مقطعی صرفا ثبت نام کنید و حتی در آزمون، شرکت

شما برای مقطعی صرفا ثبت‌نام کنید و حتی در آزمون، شرکت نکنید، مهم نیست... شانس همیشه با شماست؛ شما در تکمیل ظرفیت، روی صندلی که از قبل برای‌تان رزرو شده، خواهید نشست! و به همان میزان از بسته آموزشی دست خواهید یافت که همکلاسی شما، با درس خواندن و آزمون دادن، مجاز به دریافت آن شده است. این مشکل به‌خصوص در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا به‌شدت مشهود است. در این بنگاه تجاری، حتی بدیهی‌ترین استانداردهای حرفه‌ای هم رعایت نمی‌شود. و چنین است که با پرداخت شهریه، دانشجو، صرفا یک مشتری است و در نهایت بین او و جامعه‌ای که از او انتظار تولید فکر و اندیشه دارد، بین خود او و علم حتی، شکاف‌ها و گسست‌های عمیقی اتفاق می‌افتد. علم، به کالایی مبتذل و بنجل تبدیل می‌شود که می‌توان آن را با کپی پیست، به میزان انبوه تولید کرد.

دانشگاه فاسد شده است!

تعارف که نداریم. فساد به این‌جا هم آمده است. پس جمله خود را تصحیح می‌کنیم: «دانشگاه هم فاسد شده است.» دانشگاه دیگر میدان روشنگری و مطالبات آگاهانه اجتماعی و سیاسی نیست. (شاید هم نباید باشد!) دانشجو، برای تامین هزینه دانشگاه، باید کار کند و کار کردن، یعنی کنده شدن از درس‌خواندن و دغدغه‌ای جز اداره کردن خود نداشتن. دانشجوی کارگر (در هر کسوتی از هر شغلی)، تنها درپی مطالبات شخصی خود است. و باید بتواند خودش را به مدرکی برساند که به دلش وعده داده و جامعه هم قول داده که در صورت به‌دست آوردن آن، می‌تواند

اکنون، دانشجو، در این شکل و شمایلش، دیگر تفاوتی با مردم کوچه و بازار ندارد. حتی می‌توان ادعا کرد که فاصله سواد و دانشش با آنان که دانشگاه ندیده‌اند، آن‌قدرها زیاد نیست که به چشم بیاید. او صرفا آدمی است که پول و گاهی زمان می‌گذارد تا مدرکی بخرد

شغل مناسبی پیدا کند. اما فساد نمی‌گذارد. فساد باعث می‌شود دانشجو، سواد و مهارت لازم را به‌دست نیاورد. (اما نمره خوب را چرا!) فساد، به دانشجو فرصت مطالعه بیشتر، فکر عمیق‌تر و چالش‌های دقیق‌تر نمی‌دهد، لاجرم، او موجودی نمی‌شود که جامعه‌اش بتواند بر روی او حساب کند. او موجودی است که پس از گرفتن مدرکش، شغل وعده شده را هم به‌دست نمی‌آورد؛ یک سرخورده اجتماعی که ترجیح می‌دهد برای بقای خود، دنبال هر کسب و کار درست و نادرستی برود و در این روند، فساد باز تولید و تکثیر می‌شود. اصلا حالا که به این‌جا رسیدیم چرا می‌گوییم دانشگاه هم فاسد است؟ حقیقت این است که دانشگاه در تولید فساد هم دست دارد!

انسان دانشگاهی ما

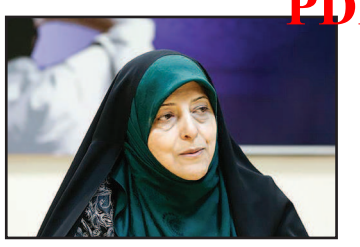
انتظاری که از یک دانشجو می‌رود این است که او یک روشنفکر باشد. روشنفکری که با مراجعه به وجدان انسانی-اجتماعی‌اش، جامعه را به دنبال خود بکشد و به آن خوراک فکری و معنوی بدهد. دانشجو، آن انسان آگاهی باید می‌بود که نه در پی هزینه‌های مادی و مالی مورد انتظار دانشگاه، بلکه باید در پی برآورده کردن نیازهای جامعه خود در میدان علم و پژوهش و رفاه و سلامت سیاسی و اقتصادی باشد. از چنین روشنفکری، انتظار می‌رود که ارزش‌های بنیادین را زیر سوال ببرد و در نهایت بتواند مولد ارزش‌های بنیادین نسل خودش باشد. اما دانشجوی امروز در میدان دانشگاه ما، درگیر نوعی خشونت! است. خشونتی که بر اساس تحمیل یک فرهنگ خاص از سوی نظام دانشگاه و سیستم آموزشی، بر او اعمال می‌شود. خشونت دانشگاهی و آموزشی، البته آن چهره‌ای را که از خشونت انتظار داریم، ندارد. بسیار خوش‌تیپ و شکیل است. در لفافی از الفاظ مطنطن و رفتارهای مبادی آداب پیچیده شده است. نمی‌شود مچ این خشونت را گرفت، اما می‌توان آن را دید، و لمس و احساسش کرد.

این خشونت خوش‌منظر، با نام هدف‌های متعالی، اعمال می‌شود و دانشجو، آن گلادیاتوری است که از سوی خانواده و جامعه، برای گلاویز شدن با خشونتی چنین نمادین، با کمترین سلاح و آمادگی، به میدان کارزارش فرستاده می‌شود.

انسان دانشگاهی ما، آرمان ویژه ای ندارد که به ما بدهد. حتی می توان گفت که او تحت تاثیر چنین شرایط خشونت آمیزی، ارمان زدایی هم می شود. و چون ارمان ندارد، وجدان اجتماعی هم ندارد و از او امید جلوداری در تغییرات و اصلاحات هم نمی‌رود. او در نهایت همان استاد و پزشک و متخصصی می‌شود که جز درآمد آنی و ادامه همان سیستم بنگاه‌داری، مسیر دیگری برنمی گزیند.

از گوشه و کنار

پیش‌بینی جرایم سنگین برای کودک‌آزارها



معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به اینکه مجلس شورای اسلامی در حال بررسی قانون حمایت از حقوق کودکان است، گفت: در این قانون مسائل مربوط به فضای مجازی، اینترنت و مجرمانی که از این طریق به سوء استفاده از کودکان و نوجوانان می‌پردازند، گنجانده شده است. به گزارش ایسنا، معصومه ابتکار در حاشیه سمینار بین‌المللی نقش ارتباطات و فناوری اطلاعات در توانمندسازی زنان، با بیان اینکه لایحه‌ای که در مجلس قرار دارد لایحه مبسوطی است که با ابعاد مختلف آزار کودکان و وضعیت مخاطره‌آمیز در مورد آنها می‌پردازد، افزود: یکی از ابعاد این مسئله توجه به مسئله مخاطرات فضای سایبری است. همچنین در بعد پیشگیری به توان‌افزایی در ابعاد خانواده و آموزش و پرورش توجه شده است. خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان باید آگاه باشند و انتخاب‌های درستی انجام دهند. وی با اشاره به جنبه پیشگیری از بعد قضایی نیز گفت: بر اساس این لایحه باید از سوی قوه قضاییه نیز ساختاری برای رسیدگی به این جرایم پیش‌بینی شود. همچنین به جرایم حوزه کودکان از منظر عمومی نگاه شده است. در این لایحه به‌طور خاص به جرایم حوزه کودکان چه از منظر جنسی و چه از منظرهای دیگر پرداخته شده و مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شده است. امیدواریم که مجلس شورای اسلامی هر چه سریعتر این قانون را تصویب کند.

به‌روزرسانی آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان



معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در واکنش به اعلام شهرداری در مورد دور جدید ساماندهی کودکان کار و خیابان، بر لزوم بهره‌گیری از «آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان» که از سوی بهزیستی در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفته است، تاکید کرد. حبیب الله مسعودی فرید از به‌روزرسانی این آیین‌نامه و تبدیل آن به یک آیین‌نامه حمایتی خبر داد و گفت: براساس این آیین نامه رویکرد اصلی در مورد ساماندهی کودکان کار و خیابان همکاری با سازمان‌های مردم نهاد، رسیدگی به وضع کودکان اتباع بیگانه و رویکرد خانواده محوری در این مورد است. آیین نامه مربوط به این کودکان به تازگی به‌روزرسانی شده و از سوی سازمان بهزیستی در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار گرفته است.

طرح آبرسانی اضطراری تهران تصویب شد



اعضای شورای شهر تهران با رأی خود لایحه طرح آبرسانی اضطراری شهر تهران برای زلزله را تصویب کردند. زهرا صدراعظم نوری به‌عنوان رئیس کمیسیون سلامت در تشریح این لایحه گفت: تهران مرکز حاکمیت کشور است و از همین جهت از اهمیت فوق‌العاده‌ای در پایداری ملی برخوردار است اما در مقابل زلزله خطرپذیر است. وی با بیان اینکه اجرای طرح آبرسانی اضطراری شهر تهران برای حفظ حیات شهروندان و محافظت از شهر از طریق نیازهای فوری آب در بخش شرب، خاموش کردن آتش و اورژانس با رویکرد محله‌محور ضروری است، گفت: برهمین اساس چندین بند قانونی برای کاهش خطرپذیری شهر تهران داریم که یکی از آنها تامین آب در زمان بحران است که باید شهرداری تهران با مشارکت سایر دستگاه‌ها و با محوریت شرکت آب و فاضلاب این طرح اضطراری را اجرایی کند.